۱۷۶

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

می‌فرماید: لا یَرْضی لِعِبادِهِ الْکُفْر (سوره زمر، آیه ۷) خداوند از اینکه بندگانش کفر داشته باشند راضی نیست یعنی از اینکه بندگانش ایمانی داشته باشند، راضی و خوشحال است. بنابراین رضایت ما در مسیر رضایت خدا باشد و خدا را «بخواهیم» یعنی احساس کنیم که در مسیر رضایت خداوند هستیم و خداوند از ما راضی است. البتّه این رضایتِ ما، انعکاس رضایتِ خداوند است. راضی باشیم هم نه اینکه به آن بس کنیم و تکیه بر او بکنیم.

به‌هرجهت، عید را مجدّد تبریک می‌گویم. البتّه خوشبختانه در این تبریک و در این عید عدّه‌ی زیادتری همکارند و هر چه این جمعیت شادی‌کنندگان بیشتر باشد یعنی عدّه‌ی بیشتری در جهان همراهی می‌کنند، کما اینکه هر سال می‌بینیم یکی از مقامات دیگر تبریک می‌گویند و ظاهراً اظهار همراهی در شادی می‌کنند. این در واقع خودش مهم نیست، علامت و اهمّیت این است که آن ایمان ما که تکیه‌گاه ماست، آن ایمان ما توسعه پیدا می‌کند و کم‌کم همه‌ی جهان را در بر می‌گیرد برای آن روزی که آماده می‌شود با ظهور ولیِّ ما، با ظهور بزرگ ما، تا جهان یکی بشود.

ان‌شاءالله خداوند به ما این توفیق را بدهد که همواره در مسیر رحمت خداوند قرار بگیریم و این خداوند است که ما را نشان می‌دهد، می‌گوید: أَلَمْ نَجْعَل لَّهُ عَینَینْ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَینْ وَ هَدَینَاهُ النَّجْدَین (سوره بلد، آیات ۱۰-۸)؛ مگر ما نبودیم که چشم و گوش آفریدیم برایتان که خودتان بفهمید؟ دوتا راه را هم به شما نشان دادیم. هیچ جا نمی‌گوید که دستتان را گرفتیم، بردیم.

گاهی اوقات بعضی‌ها در ضمن عبادت آنقدر در خداشناسی و فرار از خودبینی پیشرفت دارند که چشمشان می‌بیند:

اگر تیغ عالم بجنبد ز جای نبرّد رگی تا نخواهد خدای

بله، این شاید همان داستان حضرت ابراهیم و کارد باشد که کارد نمی‌بُرّید. «نبُرّد رگی تا نخواهد خدای». ابراهیم در ضمن اینکه پیغمبر بود و امر الهی را اداره می‌کرد ولی بشر بود و در این عالم بشریّت بود که از کارد می‌خواست ببُرّد ولی کارد اطاعت امرش نکرد و حال آنکه همه‌ی ریگزارهای جهان در اختیار ابراهیم بود. برای اینکه به ابراهیم هم بفهمانند که «نبُرّد رگی تا نخواهد خدای» ولی بدانیم که همیشه بشر، مظهر مشیّت الهی است.

خداوند آنچه اراده فرماید ما انجام می‌دهیم یعنی وقتی قبلاً نمی‌دانیم اراده‌ی خداوند چیست،

بعد که مشیّت خدا به یک امری قرار گرفت، ما را می‌کشاند که خودمان آن امر را انجام دهیم. همه‌ی کارها را خودش می‌کند ولی هم بزرگواری او و هم کوچکی ما نشان می‌دهد کارها را خودش می‌کند بعد به‌نام ما انجام می‌دهد که ما خیال کنیم این ما هستیم که انجام دادیم ولی چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من.

ان‌شاءالله خداوند ما را در این عید سعید و در این قدم جدیدی که در زندگی برداشتیم و یک قدم از سال گذشته آمدیم جلوتر، موفّق و هوشیار بدارد.

***

مصافحه یک خلاصه‌ای است از مسیر زندگی ما و شروع به سلوک یعنی اوّل که مشرّف می‌شوید، آن دستورات را انجام می‌دهید و مشرّف می‌شوید، بیعت می‌کنید. از آن تاریخی که بیعت کردید، در مسیر گردش زندگی وارد مرحله‌ی سلوک شدید یعنی سلوک به معنای خاصّش و این مصافحه مظهر همان است، بنابراین باید خیلی با احترام با آن برخورد کرد. غیر از حتّی مسأله‌ی دست دادن است که در زندگی‌های معمولی الان معمول هست. این به‌عنوان مظهری از این تشرّف بوده یعنی در واقع ما با شما با این طریق وارد این بارگاه محبّت و حُسن و صمیمیّت می‌شویم. این مظهری است.

در مورد تشرّف، ورود به این دریچه در عالم خلوص و مهربانی با خداوند است و خیلی اهمّیت دارد بنابراین هرگز شما نیستید که دست خدا را می‌گیرید، خداوند است که دست دراز می‌کند دست شما را می‌گیرد و می‌آورد بالا و حتّی اگر غفلت کنید، مقاومت کنید، دستتان نه، موی سرتان را می‌گیرد.

زنهار! همانطوری که با کوچکی، مهربانی و فروتنی در زندگی معمولی از یک بزرگتری تقاضایی دارید، (بزرگتری که مورد علاقه‌ی شما هم هست، نه بزرگترهای امروزی که به خونشان تشنه هستید در جهان) باید با خضوع انجام بدهید. یک کار تشریفاتی هم نیست که به‌زودی انجام بدهید و رد بشوید، نه! منتها در سرعت یا عدم سرعتش باید ملاحظه‌ی طرفِ مصافحه را بکنید که آیا قدرت تحمّل این را دارد و آیا می‌تواند ایستاده یا نشسته مدّتی در اختیار شما باشد؟ نه خیلی با عجله رد شوید و نه آنقدر طول بدهید که خسته بشوید و همانطوری که در مراحل سلوک، تقاضا از شماست و بعد از آنکه تقاضایتان مورد قبول شد باید اوّلْ بار مرجعِ شما دست دراز کند شما را بگیرد، تقدّم نکنید.

همانطوری که در زندگی عادی وقتی به دری می‌رسید، تعارف می‌کنید آن کسی که بزرگتر است، جلوتر می‌رود و بعد شما، در مصافحه هم همینطور، همیشه عجله نکنید. هر کدام دلش می‌خواهد زودتر باشد، باید صبر کند که تا طرفش انجام بدهد. این است که سعی نکنید عجله کنید. وقتی که مصافحه می‌کنید با تأنّی و ملایمت باشد و ان‌شاءالله توجّه به معنویّت این مصافحه و اینکه

این مظهر سلوک شماست، احترام بگذارید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح دوشنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲، عید نوروز، جلسه برادران ایمانی)

*****

خداوند شیطان را خودش حفظ می‌کند، گفته است تا روز قیامت به تو مجال دادم، تا روز قیامت او را حفظ می‌کند. به‌هیچ‌وجه شیطان را محبوس نگه‌نمی‌دارد. برای این است که شیطان مبارزه با عقلِ انسان می‌کند. در مواردی عقل یک دستوری می‌دهد و شیطان دستورِ مخالف آن. این دو تا، عقل و شیطان، با هم در مبارزه هستند. خداوند علاقه‌مند است عقلی که در بشر آفریده، آنقدر توسعه پیدا کند که بتواند بشر را، انسان را، برحسب اوامر الهی اداره کند، به پیش ببرد. بنابراین ما، در این مسیر اگر بکوشیم در واقع به اراده‌ی الهی است و به اراده‌ی او کمک کرده‌ایم و خداوند هم به همین دلیل مسلّماً محافظ ماست و مسلّماً خیراتش را به ما ارزانی می‌دارد، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح دوشنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲، عید نوروز، جلسه خواهران ایمانی)

*****

بعد از وفات پیغمبر، علی علیه‌السلام نسبت به دو فرزندش حسن و حسین (حسنین) محبّتی که داشت به‌جای خود ولی یک نحوه احترام خاصّی هم به اینها داشت. آنها هم حقّاً احترام پدر را حفظ می‌کردند (مادر را که به‌زودی از دست دادند) و دستورات ولیّ خودشان، آن ولیّ الهی را که همان پدر باشد اجرا می‌کردند که روزی علی علیه‌السلام مطّلع شد که حسن و حسین با یکدیگر کدورتی دارند یا قهر کردند. حضرت آنها را خواستند هر دو را و این فرمایش پیغمبر را برایشان گفتند. گفتند گوش بدهید تا فرمایش جدّتان را برایتان بگویم. پیغمبر فرمود: اگر دو مؤمن البتّه تا بتوانند باید با هم الفت داشته باشند، در دوستی باشند، مبادا بین مسلمین، مؤمنین کدورت و خلافی باشد، امّا به‌هرجهت بشر هستند، اختلافی یا کدورتی بین آنها پیدا شد، باید سعی کنند که هر چه زودتر مرتفع کنند و اگر این دو نفر با هم مودّت به خرج بدهند، کدورت‌ها را فراموش کنند، خداوند صد حسنه برایشان می‌فرستد. از این صد حسنه، نود حسنه برای آن کسی است که اوّل اقدام به آشتی کرده و ده حسنه برای آن کسی است که قبول کرده و آشتی کرده است. روی هم رفته صد حسنه می‌فرستد. بعد از این خبر که گفتند یعنی عملاً دستور بود به دو فرزندشان، نور چشمشان که اصلاح کنند. به نور چشمشان حسین فرمودند که برو پیش برادرت حسن، او برادر بزرگتر است. با هم مصافحه کنید، همدیگر را ببوسید آشتی کنید. حسین علیه‌السلام در جواب عرض کرد که امر شما را اطاعت می‌کنم ولی خودم دلم می‌خواهد که از آن صد حسنه نود حسنه‌اش برای برادرم باشد، ده حسنه برای من. در واقع ایثار کرد یعنی در واقع حسن بیاید اقدام کند. علی علیه‌السلام سپس این دستور را به حسن دادند و امام حسن علیه‌السلام تشریف آوردند و با برادر آشتی کردند.

در همین داستان کوچک دروس فراوانی هست، دروسی که اوّلاً ممکن است بین دو برادر هم اختلافی باشد ولی بلافاصله باید حل کرد، تمام کرد. دستور دیگری احترام برادر بزرگتر را، حضرت امام حسین رعایت کردند معذلک موکول به امر پدر کردند. به‌هرجهت این ائمّه‌ی معصومینِ ما، پیغمبر و فاطمه، تمام زندگیشان مدل و نمونه است و این هم که فرموده‌اند «چهارده معصوم» برای اینکه ما بدانیم معصوم و کسی که هیچ خطا نکرده و نخواهد کرد یا در آن ایّامِ خودشان نخواهد کرد، چهارده معصوم هستند. غیر از اینها هیچ انسانی مصون از خطا نیست و نباید از خطا ناامید شد. بلکه باید خطا را هر چه زودتر جبران کرد.

در یک عبارت معصومین فرموده‌اند که خداوند از نگاه شرمنده‌ی گناهکاری که از گناهش خجالت می‌کشد و از گناهش پشیمان است و می‌خواهد جبران کند، نگاه کردن به چهره‌ی چنین شخصی را بیشتر خوشش می‌آید تا از نگاه کردن به چهره‌ی یک شخصی که خیلی کم احیاناً گناهکار است و به این پاکی خودش می‌نازد و یک حالت ناز و برتری دارد. بنابراین خطا به شرط اینکه عمدی نباشد و حتّی‌المقدور تکراری نباشد، قبل از ارتکابش بترسید از گناه. برای اینکه مبادا خطا که کردید، متوجّه نشوید و پشیمانی را دیر اعلام کنید و به‌علاوه هر خطایی در صورتی که بعدش پشیمانی و توبه باشد، قابل بخشش است و حتّی بعضی گناهان را خداوند وعده کرده است. فَأُولٰئِكَ يُبَدِّلُ اللهُ سَيِّئٰاتِهِمْ حَسَنٰاتٍ (سوره فرقان، آیه ۷۰) خداوند بعضی گناهان را تبدیل به حسنه می‌کند.

ان‌شاءالله خداوند ما را هر توفیقی که دلش می‌خواهد بدهد یعنی توفیق بندگیِ خودش را از ما دریغ نکند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح سه‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۳، عید نوروز، جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.